

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسات گذشته، در مقام استدلال بر قول به مضایقه، سه دلیل مطرح شد. دلیل نخست، تمسک به اصالة الاحتیاط بود. در این زمینه، مرحوم شیخ انصاری اشکالاتی را مطرح کرده‌اند که حضرت استاد به نقد آن اشکالات پرداخته‌اند.

دلیل دوم، اطلاق اوامر مربوط به قضا است. این استدلال نیز از سوی حضرت استاد مورد پذیرش قرار نگرفته است.

دلیل سوم، تمسک به ادله وجوب مبادرت در قضا می‌باشد. قائلان به مضایقه برای اثبات این مدعا، به آیاتی مانند «أقم الصلاة لذكری» و روایاتی که در تفسیر آن وارد شده است استناد کرده‌اند. با این حال، حضرت استاد این استدلال را نیز ناتمام دانسته و تصریح کردند که آیه مزبور ناظر به اصل اقامه‌ی نماز و تأکید بر آن است، نه به خصوص نماز فائته؛ و از این رو، استناد به آن برای اثبات مضایقه در قضا، تمام نخواهد بود.

دلیل چهارم: ادله وجوب ترتیب و عدول از فائته به حاضره

در دلیل چهارم، قائلان به مضایقه به برخی روایات تمسک کرده‌اند که از آن‌ها لزوم ترتیب و همچنین وجوب عدول از نماز حاضره به نماز فائته استفاده می‌شود. مراد ایشان آن است که از وجود ترتیب در نمازها، به ملازمه‌ی آن با فوریت نیز می‌توان رسید؛ چراکه، بنابر فرمایش صاحب جواهر، ترتیب ملازم با فوریت است. همچنین، وجوب عدول از نماز حاضره به فائته نیز مستلزم هر دو مفهوم ترتیب و فوریت خواهد بود.

روایت زراره

نخستین روایتی که مورد استناد قرار گرفته، روایتی مفصل از زراره است که از امام باقر (علیه السلام) در باب ۶۳ از ابواب المواقیف، حدیث اول، نقل شده است. [1] روایت به گونه‌ای است که احتمال می‌رود چند روایت از امام علیه السلام مطرح بوده و زراره آن‌ها را به صورت یک روایت واحد نقل کرده باشد؛ چنان‌که در موضعی، خود شیخ طوسی تعبیر به «روایات» کرده است.

روایت دارای فقراتی است که هر یک از فقرات را بررسی و مورد شاهد را بررسی می‌کنیم.

فقره اول روایت

در فقره اول این روایت آمده است: «إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً أَوْ صَلَّيْتُهَا بغير وضوء و كان عليك قضاءُ صلواتٍ فابدأ بأولهنَّ، فأذن لها و أقم ، ثمَّ صلَّها، ثمَّ صلَّ ما بعدها بإقامةٍ إقامةٍ لكلِّ صلاةٍ»

این بخش از روایت مربوط به زمانی است که شخصی چند نماز قضای برعهده دارد و امام در این جا امر به شروع از نخستین نماز فوت شده کرده اند. بنابراین، مضمون این بخش، ناظر به ترتیب میان خود نمازهای قضا شده است و ارتباطی با ترتیب میان نماز حاضر و فائده یا وجوب عدول از حاضر به فائده ندارد.

فقره دوم روایت

در ادامه روایت مطلبی از امام (علیه السلام) آمده است، که ممکن است ادامه همان مجلس یا مربوط به مجلسی دیگر باشد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «و إن كنت قد صليت الظهر و قد فاتتك الغداة فذكرتها، فصل الغداة في أي ساعة ذكرتها و لو بعد العصر، و متى ما ذكرت صلاة فاتتك صليتها».

مفاد این بیان آن است که اگر نماز ظهر را خوانده باشی در حالی که نماز صبح از تو فوت شده باشد و سپس به یاد آوری، باید نماز صبح را در هر زمانی که آن را به یاد آوردی، حتی اگر پس از نماز عصر باشد، قضا نمایی. همچنین، امام به صورت کلی می فرماید: هر زمان که نماز فوت شده ای را به یاد آوردی، آن را قضا کن.

محل استدلال قائلان به مضایقه، در همین تعبیر «فی أيّ ساعة ذکرتها» و «متی ما ذکرته» نهفته است. این تعبیر ظهور در لزوم مبادرت و فوریت در ادای نماز قضا دارند؛ بدین معنا که قضا باید فوراً پس از یادآوری انجام شود.

نکته مهم این است که مرحوم شیخ اعظم انصاری در رساله‌ی «مواسعه و مضایقه»، هنگام نقل این روایت، چهار موضع را برای استدلال ذکر می کنند، اما هیچ اشاره‌ای به این بخش خاص از روایت ندارند. ایشان تنها به سایر فرازهای روایت پرداخته و پاسخ‌هایی ارائه می دهند، در حالی که این بخش از روایت، به وضوح دلالت بر لزوم فوریت در ادای نماز قضا پس از یادآوری دارد، و این نکته از سوی ایشان مورد بررسی قرار نگرفته است.

فقره سوم روایت

«و قال (ع): إن نسيت الظهر حتى صليت العصر فذكرتها، و أنت في الصلاة أو بعد فراغك، فانوها الأولى، ثم صل العصر، فإنما هي أربع مكان أربع. فإن ذكرت أنك لم تصل الأولى و أنت في صلاة العصر، و قد صليت منها ركعتين، فانوها الأولى، ثم صل الركعتين الباقيتين، و قم فصل العصر».

در این فراز، امام علیه السلام می فرماید: اگر نماز ظهر را فراموش کردی و تا زمان اقامه‌ی نماز عصر آن را به یاد نیاوردی، آنگاه چه در اثنای نماز عصر باشی و چه پس از اتمام آن، نیت خود را به نماز ظهر برگردان و پس از آن، نماز عصر را به جا آور؛ زیرا هر دو نماز، چهار رکعتی هستند و می توانند جای یکدیگر را بگیرند.

در ادامه، امام علیه السلام حالتی دقیق تر را مطرح می کنند و می فرمایند: اگر در حالی که مشغول نماز عصر هستی و دو رکعت از آن را به جا آورده‌ای، به یاد آوردی که نماز ظهر را نخوانده‌ای، نیت خود را به نماز ظهر برگردان و دو رکعت باقی مانده را با نیت ظهر به پایان برسان، سپس برای نماز عصر قیام کن و آن را نیز به جا آور.

بحثی که در این جا مطرح می شود، تفاوت میان دو بخش روایت است. در بخش نخست، فرض بر آن است که نماز عصر به طور کامل خوانده شده و سپس یادآوری صورت گرفته است. در این فرض، امام می فرماید: نماز ظهر را به عنوان «اولی» نیت کن و پس از آن، به دلیل تساوی عددی هر دو نماز، نماز عصر را اقامه کن.

اما در بخش دوم روایت، فرض آن است که در اثنای نماز عصر و پس از اتمام رکعت دوم یادآوری رخ داده است. در این حالت، امام امر به عدول می فرماید؛ یعنی نیت نماز عصر به ظهر برگردانده شود و دو رکعت باقی مانده به عنوان نماز ظهر تمام

شود، سپس نماز عصر به‌طور مستقل اقامه گردد.

سؤال مهمی که در این‌جا مطرح می‌شود آن است که آیا این بخش دوم، قید و تخصیص‌زننده‌ی بخش نخست است؟ یعنی اگر کسی در رکعت سوم یا چهارم نماز عصر به‌یاد آورد که نماز ظهر را نخوانده، آیا باید نماز عصر را ادامه دهد و آن را تمام کرده، سپس نماز ظهر را بخواند؟

در پاسخ، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که دو رکعت اول از نماز چهار رکعتی فرض الله و دو رکعت دوم، فرض النبی است؛ بنابراین، شاید بتوان گفت اگر ذکر در رکعت سوم اتفاق افتاد، فرض الله به‌جا آورده شده و نماز عصر باید کامل شود، سپس نماز ظهر اقامه گردد.

این تحلیل، با آنچه در فتوای فقها آمده نیز هماهنگ است؛ بدین معنا که اگر کسی نماز عصر را به‌طور کامل خواند و پس از فراغت یادش آمد که نماز ظهر را نخوانده، باید نماز ظهر را به‌جا آورد و ترتیب نیز مشروط به ذکر و یادآوری است.

استدلال به این بخش از روایت بر مضایقه به این صورت است که در فرضی که انسان در نماز عصر به‌یاد می‌آورد که نماز ظهر را نخوانده، روایت تصریح به وجوب عدول می‌کند؛ یعنی باید نیت خود را از عصر به ظهر برگرداند، لذا روایت دلالت بر وجوب عدول از نماز لاحقه به سابقه دارد، و از همین وجوب عدول، لزوم فوریت در قضا را نیز استنباط می‌شود؛ زیرا فوریت به‌معنای لزوم تقدم نماز سابقه بر لاحقه، بلافاصله پس از یادآوری است.

فقره چهارم روایت

در ادامه روایت، امام علیه‌السلام می‌فرمایند:

«وإن كنت قد ذكرت أنك لم تصل العصر حتى دخل وقت المغرب، و لم تخف فوتها، فصل العصر ثم صل المغرب».

در این‌جا بحثی مطرح است پیرامون مراد از «فَوْتَهَا» در تعبیر «و لم تخف فوتها»؛ آیا مراد، فوت اصل نماز مغرب است یا فوت فضیلت و وقت فضیلت آن؟ به‌نظر می‌رسد که اگر صرف دخول وقت مغرب ملاک باشد، هنوز خوف فوت اصل نماز معنا ندارد، زیرا با داخل شدن اول وقت مغرب، معمولاً وقت کافی برای ادای نماز وجود دارد، و صرفاً فضیلت در خطر است. بنابراین، احتمال قوی‌تر آن است که مراد از «فوتها»، فوت وقت فضیلت نماز مغرب باشد.

قائلان به مضایقه از این روایت نیز بهره برده‌اند. آن‌ها با استناد چنین استدلال به این بخش از روایت اینگونه است که در فرضی که مکلف در وقت مغرب، نماز عصر را به‌یاد می‌آورد، اگر هنوز نماز مغرب را نخوانده، باید ابتدا نماز عصر را بخواند و سپس نماز مغرب را اقامه کند، بنابراین روایت دلالت بر وجوب ترتیب بین فائده و حاضره و بالملازمه بر مضایقه دلالت دارد.

کلام مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید؛ یکی از بخش‌هایی که قائلان به مضایقه برای اثبات دیدگاه خود بدان تمسک کرده‌اند، همین بخش از روایت است. با این حال، شیخ در آن اشکالی مطرح می‌کند و می‌فرماید:

و لا يخفى - على المتأمل فيها - ظهورها في تضييق وقت المغرب و فواتها بزوال الحمرة، و إلا لم يناسب التفصيل - في فرض نسيان العصر إلى دخول المغرب - بين خوف فوات المغرب و عدمه، و حينئذ فلا ينهض الرواية دليلاً على المضايقة، بناء على ما هو المشهور بين المتأخرين من كون زوال الحمرة آخر وقت الفضيلة دون الإجزاء، فتعين حمل الأمر على الاستحباب، و كون إدراك فضيلة المغرب أولى من المبادرة إلى الفائدة بحكم مفهوم القيد في قوله: «و لم تخف».[2]

مرحوم شیخ با اشاره به اینکه خوف از فوت نماز مغرب به فوت اصل نماز بر نمی گردد می فرماید؛ اگر وقت مغرب وسیع باشد، و آن گونه که مشهور میان متأخرین است، امتدادی تا زمان نصف شب داشته باشد، دیگر این تفصیل امام میان وجود خوف فوت و عدم آن، معنی نخواهد داشت. بنابراین، مفاد روایت تنها در صورتی قابل توجیه است که وقت مغرب را مضیق بدانیم و نهایت آن را تا زوال حمیره مشرقیه بپنداریم؛ امری که با نظر فقهای متأخر سازگار نیست، چراکه آنان زوال حمیره را پایان وقت فضیلت می دانند، نه انتهای وقت اجزاء.

بر این اساس، بر مبنای دیدگاه مشهور میان متأخران که زوال حمیره را پایان وقت فضیلت می دانند، نه انتهای وقت نماز، این روایت نمی تواند دلیلی بر قول به مضایقه باشد.

نتیجه آن که، بنابر فرمایش شیخ، حمل امر در این روایت بر استحباب متعین است؛ بدین معنا که ترجیح ادراک فضیلت نماز مغرب، بر مبادرت به نماز فائتة، از باب استحباب است، نه وجوب. درواقع، مفهوم جمله‌ی «و لم تخف فوتها» این است که اگر خوف فوت فضیلت مغرب وجود دارد، نماز مغرب مقدم است، و اگر خوفی نیست، ادای نماز فائتة بهتر است. با توجه به این حمل، دیگر روایت قابلیت استناد برای قائلان به مضایقه را از دست می دهد؛ چراکه ایشان نیازمند اثبات ظهور امر در وجوب هستند، در حالی که با تحلیل شیخ، روایت صرفاً ناظر به مرجحات استحبابی خواهد بود، نه الزامی.

فقره پنجم روایت

در ادامه روایت، امام (علیه السلام) می فرماید:

«و إن كنت قد صليت المغرب فقم فصل العصر. و إن كنت قد صليت من المغرب ركعتين ثم ذكرت العصر، فأؤها العصر، ثم قم فأتمها ركعتين، ثم سلم، ثم تصلي المغرب».

مفهوم کلام در این فقره آن است که اگر در رکعت سوم نماز مغرب بودی و آن گاه یاد آمد که نماز عصر قضا شده، دیگر نیازی به عدول نیست؛ بلکه همان نماز را به عنوان مغرب تمام کن، سپس نماز عصر را بخوان. اما اگر هنوز در رکعت دوم بودی، باید نیت را تغییر داده و آن را به نماز عصر تبدیل کنی، سپس با افزودن دو رکعت دیگر، آن را به عنوان نماز عصر به پایان برسانی و بعد نماز مغرب را اقامه کنی. در این فقره نیز همانند فقرات پیشین، عدول به نماز فائتة و لزوم تقدم آن، مورد تأکید قرار گرفته است.

کلام مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری در این بخش از بحث، پس از نقل فقره‌ی روایت، چنین می فرماید:

الثانية: قوله عليه السلام: «و إن كنت قد صليت من المغرب ركعتين» و الظاهر أنّ الحكم بالعدول في هذه الفقرة مقيد - كالحكم السابق - بعدم خوف فوات وقت المغرب.

و حاصل الحكمين: أنّه إذا لم يخف فوت المغرب قدّم العصر ابتداء و عدل إليها في أثناء المغرب، فيكون مفهوم القيد في قوله عليه السلام: «و لم يخف فوتها» مقيدا لانتفاء الحكمين عند خوف وقت فضيلة المغرب، فيكون الراجح - عند خوف فوت وقت الفضيلة - تقديم الحاضرة، و هذا مخالف للقول بالمضايقة، فلا محيص عن حمل الأمر بالعدول على الاستحباب.[3]

مرحوم شیخ می فرماید؛ همان گونه که در بخش پیشین روایت، حکم بر اساس عدم خوف از فوت وقت مغرب مقید شده بود، این حکم نیز به همان قید مقید است. نتیجه‌ی هر دو حکم این است که اگر خوف از فوت وقت مغرب وجود ندارد، نماز عصر باید مقدم داشته شود و در فرض خوف از فوت وقت فضیلت مغرب، رجحان با تقدیم نماز حاضره خواهد بود و این حکم با مبنای قائلان به مضایقه ناسازگار است. چرا که ایشان بر این باورند که حتی در فرض فوت وقت فضیلت نماز حاضر نیز، باید نماز

فائده را مقدم داشت و فقط در صورتی که اصل وقت فوت شود، نماز حاضره مقدم می شود. بنابراین چاره‌ای جز این نیست که امر به عدول را حمل بر استحباب کنیم و دیگر استدلال به آن برای اثبات مضایقه و وجوب عدول از نماز حاضر به فائده، ناتمام خواهد بود.

در مجموع، از دیدگاه مرحوم شیخ، این دو فقره از روایت با توجه به قرینه‌ی موجود بر وقت فضیلت، ظهور در وجوب ندارند و نمی‌توان از آن‌ها برای اثبات مبنای قائلان به مضایقه استفاده کرد.

فقره ششم روایت

امام (علیه السلام) می‌فرماید: «وإن كنت قد نسيت العشاء الآخرة حتى صليت الفجر فصل العشاء الآخرة وإن كنت نكثتها وأنت في ركعة الأولى أو في الثانية من الغداة، فانوها العشاء، ثم قم فصل الغداة، وأذن وأقم»

در این فقره امام می‌فرماید؛ اگر نماز عشاء را فراموش کردی و تا پایان نماز صبح آن را به یاد نیاوردی، پس از اتمام نماز صبح، نماز عشاء را بخوان و اگر در حین خواندن نماز صبح، یعنی در رکعت اول یا دوم آن، به یاد آوردی که نماز عشاء را نخوانده‌ای، پس نیت خود را از نماز صبح به نماز عشاء برگردان، سپس پس از اتمام آن، نماز صبح را بخوان. و برای آن اذان و اقامه بگو.

این قسمت از روایت نیز بر ضرورت رعایت ترتیب بین فائده و حاضره و وجوب عدول از حاضره به فائده در فرض یادآوری در اثنای نماز تاکید دارد.

فقره هفتم روایت

فقره پایانی روایت به این صورت است:

وَإِنْ كَانَتْ الْمَغْرِبُ وَالْعِشَاءُ قَدْ فَاتَاكَ جَمِيعاً فَأَبْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ أَبْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءَ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا فَأَبْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْغَدَاةُ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ وَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةَ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ أَبْدَأْ بِأَوَّلِهِمَا لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءُ أَيُّهُمَا ذَكَرْتَ فَلَا تُصَلِّيهُمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ قَالَ قُلْتُ: وَلِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا.

امام (علیه السلام) در این بخش می‌فرماید: اگر نماز مغرب و عشاء هر دو از شما فوت شده باشد و هیچ‌یک را نخوانده باشید، باید پیش از اقامه‌ی نماز صبح، این دو نماز را به‌جا آورید. ابتدا نماز مغرب و سپس نماز عشاء را بخوان. این بخش از روایت ظهور در مبنای مضایقه دارد، زیرا بر لزوم تقدیم نمازهای فوت‌شده پیش از ورود به وقت صبح دلالت دارد.

امام (علیه السلام) در ادامه می‌فرماید: اما اگر بیم آن داری که با شروع به خواندن مغرب و عشاء، نماز صبح از دست برود، ابتدا نماز مغرب را بخوان، سپس نماز صبح را اقامه کن و پس از آن، نماز عشاء را به عنوان قضا به‌جا آور. در صورتی که حتی اگر بخواهی نماز مغرب را هم اقامه کنی، بیم فوت نماز صبح را داری، در این فرض ابتدا نماز صبح را بخوان، سپس نماز مغرب و عشاء را قضا کن.

در این حالت که نماز مغرب و عشاء هر دو قضا شده‌اند، امام علیه السلام می‌فرماید: با اولین نمازی که یادت آمد آغاز کن؛ زیرا هر دو قضا هستند. بنابراین هیچ‌یک از آن دو را پیش از زوال شعاع شمس به‌جا نیاور؛ یعنی نماز مغرب و عشاء را تا طلوع کامل آفتاب تأخیر بینداز.

راوی می‌پرسد: چرا چنین است؟ حضرت پاسخ می‌دهند: زیرا در این صورت خوف فوت آن دو نماز وجود ندارد، پس لازم

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

باورقی

[1] مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً أَوْ صَلَّيْتَهَا بِغَيْرِ وُضُوءٍ وَ كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَوَاتٍ فَأَبْدَأْ بِأَوَّلِهِنَّ فَأَذِّنْ لَهَا وَ أَقِمْ ثُمَّ صَلِّهَا ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلَاةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا وَ قَالَ إِذَا نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَغِكَ فَأَنُوهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعُ مَكَانٍ أَرْبَعُ وَ إِنْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْأُولَى وَ أَنْتَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ (فَأَنُوهَا الْأُولَى) ثُمَّ صَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ وَ قُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْعَصْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْتَهَا فَصَلِّ الْعَصْرَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرْتَ الْعَصْرَ فَأَنُوهَا الْعَصْرَ (ثُمَّ قُمْ فَاتِمَّهَا رَكْعَتَيْنِ) ثُمَّ تَسَلَّمَ ثُمَّ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ نَسِيتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ فَأَنُوهَا الْمَغْرِبَ ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فَإِنْ كُنْتَ قَدْ نَسِيتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى أَوْ فِي الثَّانِيَةِ مِنَ الْغَدَاةِ فَأَنُوهَا الْعِشَاءَ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْغَدَاةَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ وَ إِنْ كَانَتْ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ قَدْ فَاتَتْكَ جَمِيعاً فَأَبْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ أَبَدًا بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءَ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا فَأَبْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ وَ إِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةَ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ أَبَدًا بِأَوَّلِهِمَا لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءُ أَيُّهُمَا ذَكَرْتَ فَلَا تُصَلِّهِمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ قَالَ قُلْتُ: وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا. (حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 4، ص 291).

[2] انصاری، مرتضی بن محمدامین، «رسائل فقهية (انصاری)»، ص 341.

[3] همان.

منابع

انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهية (انصاری)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفكر الإسلامي، 1414.

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416.